



به روز شده: 20:31 گرینویچ - سه شنبه 21 ژوئیه 2009 - 30 تیر 1388

[این صفحه را برای دیگران بفرستید](#) | [چاپ مطلب](#)

اطلاعات تازه در مورد کشته شدن مسعود هاشم زاده در روز ۳۰ خرداد

نیکی محجوب

بی بی سی فارسی

اخبار مرتبط

محمد کامرانی؛ یکی دیگر از کشته شدگان درگیری‌های تهران

سهراب اعرابی یکی دیگر از کشته شدگان ناآرامی‌ها در ایران

موسوی با خانواده سهراب اعرابی دیدار کرد

'ندا خواهان آزادی بود، آزادی برای همه'

پزشک ایرانی از ماجرای مرگ ندا می گوید

مطالب پرخواننده کنونی

خشونت؛ روشی بلندمدت برای مقابله با اعتراض‌ها؟

برلوسکونی "مردانگی" مردهای قزاق را ستود

پخش زنده برنامه های تلویزیونی

نیراندازی مرگبار در ارلانندو

کاهش تعداد حجاج ایرانی؛ به دلایل سیاسی یا پزشکی؟



مسعود هاشم زاده از کشته شدگان

حوادث اخیر

مسعود هاشم زاده، جوان ۲۷ ساله ای است که در ناآرامی های ۳۰ خرداد ماه در محدود خیابان شادمان و نصرت در تهران به ضرب گلوله ای کشته شد. میلاد هاشم زاده برادر کوچکتر مسعود می گوید زمان مرگ مسعود فقط پدرش و او در تهران بودند و بقیه خانواده در شمال زادگاه پدری مسعود به سر می بردند.

به این ترتیب مسعود هاشم زاده یکی دیگر از کشته شدگان ناآرامی های بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران است که نام و شیوه کشته شدنش در رسانه ها مطرح می شود. پیش از این ندا آفاسلطان، سهراب اعرابی، یعقوب بروایه و محمد کامرانی از جمله کشته شدگان حوادث اخیر بودند که نامشان در رسانه ها مطرح می شود.

میلاد با اشاره به اینکه مسعود ساعت شش بعداز ظهر

روز ۳۰ خرداد برای دیدار با یکی از دوستانش در اطراف

منزل به خیابان شادمان مراجعه کرده بود، می گوید: "زمانی که به خانه رسیدم پدرم تنها بود و من قبل از رسیدن به خانه درگیری ها و شلوغی ها را دیده بودم، نگران شدم و به سوی خانه دوستش رفتم، به چهار راه نصرت داخل خیابان شادمان که رسیدم دیدم صدای تیر می آید و یک سری تیر خورده اند."

به گفته آقای هاشم زاده درمانگاهی در آن محل وجود داشت که مجروحان و زخمی ها را به آنجا می بردند. برادر کوچک مسعود هاشم زاده ادامه می دهد: "زمانی که به درمانگاه رسیدم از روی ساعت، انگشتر و لباس مسعود، او را شناختم و از دیدن صحنه جا خوردم."

گفت و گو با میلاد، برادر کوچک مسعود هاشم زاده



[پخش با "ریل پلیر" یا "ویندوز میدیا پلیر"](#)

از آنجایی که اقوام درجه یک مسعود هاشم زاده در تهران نبودند، قرار بر این می شود که پیکر او را به زادگاهش در شمال ایران در اطراف رشت منتقل کنند. میلاد هاشم زاده با اشاره به درگیری های زیادی که در آن زمان در تهران بوده است می گوید: "دنیال آمبولانس ولی اصلا آمبولانسی برای انتقال مسعود نبود. در این رفت و آمدها پسر صاحبخانه گفت که او با ماشین شخصی اش به شهرستان می برد. دکتري هم که آنجا بود گفت برای انتقال به شهرستان گواهی فوت می نویسد."

میلاد هاشم زاده و پسر صاحبخانه با ماشین شخصی پیکر مسعود را به شهرستانی در حوالی رشت می برند، آقای هاشم زاده اضافه کرد: "ساعت پنج و نیم صبح یک شنبه به زادگاه خود سمت رشت رسیدیم. شبانه برادر و پسر خاله هایم را در جریان گذاشتم که مسجد آماده کنند، شورای محل و بستگان و اهالی محل بودند."

آقای هاشم زاده ادامه داد: "زمانی که ما رسیدیم به ما گفتند مسعود را نمی توانیم در آنجا خاک کنیم، دلایلش را کامل نبودن مجوز اعلام کردند. به ما گفتند مسعود باید به پزشکی قانونی برده و علت فوتش کاملا مشخص شود. بعد از آن من و راننده ماشین را برای بازجویی به آگاهی بردند که چرا این

اتفاقات رخ داده است و تا ۴۸ ساعت بعد بازداشت بودیم. نگذاشتند من در مراسم خاکسپاری برادرم شرکت کنم."

دریافت روزانه اخبار از طریق ایمیل [آراس اس](#)

پادکست

آنها گفتند اگر مراسم بگیرد هم برای خود و هم خانواده سخت می شود. خیلی زودتر بروید تهران و نمائید

به گفته برادر کوچک مسعود هاشم زاده در گواهی فوت از طرف پزشکی قانونی نوشته شده است، اصابت گلوله به قلب و سوراخ کردن ریه، پارگی ریه و خونریزی داخلی و خارجی شدید.

ميلاد هاشم زاده در بخش دیگری از گفت و گو با اشاره به ایجاد محدودیت هایی برای خانواده هاشم زاده می گوید: "بعد از روز ۳۱ خرداد که مراسم تشییع انجام شده که من نبودم، خانواده ما به خانه بستگان می روند و ما هم آزاد شدیم. روز یک تیرماه بود که برای مراسم سوم مسعود آگهی زدیم و به دنبال حمله و مراسم بودیم. به محض پخش اعلامیه مطلع شدیم آمدند و اعلامیه را کردند. شب هم تماس گرفتند که می خواهید مراسم برگزار کنید. تا زمانی که علت فوت مسعود مشخص نشده حق برگزاری مراسم را ندارید."

روز بعد از این تماس خانواده هاشم زاده برای یافتن علت عدم برگزاری مراسم مراجعه می کنند اما به گفته میلاد هاشم زاده توضیح خاصی به آنها داده نمی شود. آقای هاشم زاده افزود: "آنها گفتند اگر مراسم بگیرد هم برای خود و هم خانواده سخت می شود. خیلی زودتر بروید تهران و نمائید."

خانواده هاشم زاده با امضای تعهدی اجازه پیدا می کنند که بدون برگزاری مراسم بر سر خاک بروند و تجمعی به هیچ عنوان شکل نگیرد.

خانواده هاشم زاده با خانواده سهراب اعرابی یکی دیگر از کشته شدگان حوادث اخیر ملاقات داشتند. همچنین میرحسین موسوی و تعدادی از اعضای ستاد او برای دلجویی از خانواده هاشم زاده به دیدار آنها رفته اند. مادران صالح و مادران عزادار نیز با مادر مسعود هاشم زاده دیدار کردند.

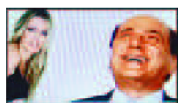
[این صفحه را برای دیگران بفرستید](#) [چاپ مطلب](#)

[درباره این سایت ها](#)

ارسال به شبکه های اجتماعی

[Facebook](#) [Balatarin](#) [Donbaleh](#) [Delicious](#)

گزیده ها 1 2 3 4 5 6



برلوسکونی "مردانگی" مردهای قزاق را ستود



کاهش تعداد حجاج ایرانی؛ به دلایل سیاسی یا پزشکی؟



خشونت؛ روشی بلندمدت برای مقابله با اعتراض ها؟



"هر کسی از طن خود شد یار او!"